

دموکراسی برای ایران
خودمختاری شورائی برای ترکمنستان ایران

جنگ و بحران خلیج فارس

مجموعه رویدادهای اخیر در منطقه خلیج فارس، موضع گیریهای مشخص کشورهای عربی منطقه در قبال جنگ ایران و عراق و بیانیتهای شورای امنیت جهت اجرای مواد مندرج در قطعنامه ۵۹۸ این شورا و پافشاری لجویانه جمهوری اسلامی جهت ادامه سیاستهای جنگ افروزانه خود، همه و همه، حکایت از آغاز فاز جدیدی در بحران خلیج فارس میکند.

آمریکا علیرغم بزرگسوال رفتن مجد حضور نیروهایش در منطقه خلیج فارس، از طرف شوروی، و نیز با تشدید فشارهای داخلی در خود آمریکا و انگلستان، مبنی بر "کاهش هزینه های سرسام آور نگهداری ناوگان ها" و حضور حداقل نیروهای نظامی این دو کشور در این منطقه، به تلاش جهت تثبیت حضور خود در خلیج فارس افزوده است. بدنبال صدور بیانیتهای در سوم دیماه از طرف شورای امنیت سازمان ملل متحد که در آن برداشتن "گامهای مؤثر جهت به اجرا در آوردن قطعنامه ۵۹۸ سازمان ملل، جهت ایجاد آتش بس در جنگ ایران و عراق" مطرح شده بود، و نیز در پی اظهارات گشادای گراسیموف، سخنگوی وزارت امور خارجه شوروی، که خواستار بررسی مسئله تحریم جهانی فروش اسلحه به جمهوری اسلامی در شورای امنیت، توأم با امکان جایگزینی یک نیروی ویژه حافظ صلح در خلیج فارس بجای نیروهای کشورهای ناتو شده بود، دولت آمریکا به فعالیت دیپلماتیک خود در منطقه افزوده است.

ضمیمه است که آمریکا بپراختن با استقرار ناوگان ویژه سازمان ملل، بجای ناوگانهای

بقیه در صفحه ۹

فتوای خمینی و تشدید بحران درونی رژیم

اختلافات جناحهای درون حکومتی، بر سر چگونگی ادامه چپاول مردم و سهم هر یک از آنها از این چپاول، تحدید حیطه قدرت ید دیگر، چگونگی بیرون رفتن از بن بست جنگ و در یک کلام بر سر چگونگی حفظ رژیم جمهوری اسلامی، بعد از تجدید صیتامه خمینی وارد مرحله جدیدی شده است. مضمون این دور از اختلافات را حدود اختیارات دولت و شورای نگهبان تشکیل میدهد، که در پشت سر آن در واقع مسئله چگونگی جانشینی خمینی بعد از مرگ وی نهفته است. هر جناحی که بتواند بعد از مرگ خمینی، مسئله جانشینی را بنفع خود حل کند طبیعی است که همان اختیارات نامحدود ولایت فقیه را بدست آورده و از این اختیارات جهت تأمین منافع جناح خاص خود و تحدید عملکرد جناح مقابل استفاده در صحنه ۱۰

انقلاب بهمن و تحولات طبقاتی جامعه

انقلاب ضد امپریالیستی، ضد سلطنتی و خلقی بهمن ماه سرنگونی رژیم استبدادی شاه را بدنبال داشت. این انقلاب هر چند در گونیهای سیاسی زیادی را در عرصه جامعه به همراه داشت، ولی ساختار اقتصادی کشور دست نخورده باقی ماند.

رشد و گسترش روابط سرمایه داری در ایران نه از لحاظ سیاسی و اجتماعی نقش ضد ملی

بازی کرده است، صادف با دوره ای است که در آن دوره سیستم سرمایه داری در مقیاس جهانی وارد مرحله عالی خود یعنی امپریالیسم شده بود. رخنه سرمایه خارجی و سیاست استعماری و امپریالیستی در جامعه ای که تولید خرده کالایی و روابط کالایی پولی در شهرهای آن وجود داشت، زمینه تلاشی مناسبات کمپنه بقیه در صفحه ۷

در این شماره :

- اعلامیه کانون فرهنگی - سیاسی خلق ترکمن ۵ در صفحه ۵
- شخصیت و هشتمین سالگرد تولد ناظم حکمت ۴ در صفحه ۴
- بمناسبت ۹۰ مین سالگرد تولد نیما ۲ در صفحه ۲
- ما غنیم قولی شاعر خلق ۲ در صفحه ۲
- بمناسبت روز پیشمرگه ۲ در صفحه ۲
- اخبار ترکمن صحرا ۵ در صفحه ۵
- رویدادهای جهان ۱۲ در صفحه ۱۲

ماغتیم قولی شاعر خلق

مقاله زیر ترجمه فشرده یکی از مقالات شهید احمد صیادی است - احمد صیادی که یکی از مشتاقان تحصیلات عالی بوده به علت نبود امکانات تحصیل در ترکمنستان ایران، در اوایل تسلط رضاخان در ایران، جهت ادامه تحصیل عازم ترکمنستان شوروی می شود. او بعد ها به علت بسته شدن مرز، بناچار در ترکمنستان شوروی ماندگار شده و تحصیلات خود را ادامه می دهد. احمد صیادی در حین تحصیلات خود بکارهای تحفیتی و مقاله نویسی نیز مشغول بوده است.

با شروع جنگ جهانی دوم، نویسنده جوان، که در انستیتوی شرق شناسی لنینگراد تحصیلات خود را ادامه میداد، داوطلبانه عازم جبهه نبرد میشود و بعد از چندی در صفات با فاشیستهای هیتلری قهرمانانه به شهادت میرسد. از او آثار چندی با امضای گورگنلی آخوندوف، بر جای مانده است. او در مقاله زیر، آثار ماغتیم قلی پراغی را بر اساس نینیات آندوره جامعه ترکمنی بررسی کرده و دلایل تاریخی محدودیت دید شاعر را بسا توجه به شرایط دورهایکه او در آن می زیسته بیان کرده و تسلط شاعر به ادبیات فولکلور دوره خود و خلاقیت ادبی او را نشان میدهد.

ماغتیم قلی، شاعر کلاسیک، در تاریخ ادبیات ترکمنی جایگاه ویژه ای داشته و بسا خلاقیت ادبی خویش، خود را به تمام خلیق شناسانده است.

در زمان ماغتیم قلی، ترکمنها توسط حکومت شخصی اداره نمی شدند. در یک طرف ترکمن های که در جنوب ترکمنستان زندگی میکردند و زیر دست فئودالهای ایران زجر میشدند و در طرف دیگر ترکمنهای خویوه و مانقشلاق تحت ظلم و ستم خان خویوه قرار داشتند. در این دوره بعضی از نواحی ترکمنستان توسط فئودالها، خانها و بگها اداره میشده.

و در بعضی از نواحی نیز سازمان قبیله ای حاکم بوده است. در این شرایط نزولخواری نیز که یکی از مشخصات سرمایه داری تجاری می باشد به چشم می خورد. به بیان دیگر، از یک طرف فئودالیزم، هر چند تشکیلات قبیله ای را زهر فشار سنگین خود داشت، اما هنوز خود را تحکیم و تثبیت نکرده بود. از طرف دیگر تحت تأثیر برخی دولتهای خارجی (عراق، آناطولی و هندوستان) که در آنها بورژوازی تجاری در حال رشد بود، روابط کالایی که یکی دیگر از مشخصات بورژوازی تجاری میباشد نیز بتدریج ظاهر می گردید.

ماغتیم قلی شاعر کلاسیک خلق ترکمن در چنان دوره ای بوده که با بحرصه وجود گذشته تضادهای پدید آمده بین طبقات اجتماعی آن دوره و وضعیت و حالات روحی آن زمان را در آثار خویش متجلی ساخته است. وی میان صایفه "فیشیقها" تیره "گرکز" از ترکمنهای گولگان چشم بجهان گشوده. پدر ماغتیم قلی "دولت محمد آزادی" نام دارد که او نیز از شعرا و دانشمندان زمان خود محسوب می شد.

بنا به گفته وامیری، از دانشمندان قرن ۱۹ (م) اروپا، ماغتیم قلی در سال ۱۷۸۳ م وفات یافته است. اما بر اساس اسناد موثقی که بعد ها از طریق نواده های خود شاعسر بدست آورده ایم، ماغتیم قلی در سال ۱۱۹۵ هجری یعنی ۱۷۷۰ میلادی در سن ۹ سالگی دیده از جهان فرو بسته است.

ماغتیم قلی بیشترین سالهای عمرش را در نواحی "اترک" و "قارری قالا" سپری نموده است. وی در جایی از شعر "گوز سالشپ بارسام" چنین می نویسد:

یاز گلر، واقت - دا کیدر غلغلتدا چتو -
مش گوزله ریم
آچایشن دیم آچئلماز، نه آغشراوقتلی
دشور

بیلمه بین سورانلارا آیدنک بو غاریب
آدشمز،
اصلی گرکز، یوردی اتسره ک، آدئ
مختموقلی دشور.
بهار خواهد آمد، زمان خواهد گذشت
چشمانم در غفلت است
به آنانکه نشناسند و بیرسند، بگوئید این
نام حقیرم را،
اصلش گرکز، سرزمینش اترک، نامش مختموق
قلی است.

سطور فوق بوضوح نشان می دهند که مختموق قلی چه کسی بوده و در کجا زندگی نموده است. ماغتیم قلی نخست تحت نظر پدرش تربیت شده و بنا به روایات، چند سالی نیز در خویوه، در مدرسه شیرغازی تحصیل نموده است. وی از سنین جوانی با ادبیات عربی، فارسی، ترکی و جغتایی آشنایی پیدا کرده و به یکی از دانشمندان ترین افراد زمان خویش تبدیل شده است. در عین حال هنر عامه (فولکلور) خلق ترکمن را که از غنای درخور توجه ای برخوردار می باشد، بخوبی فرا گرفته و در آثار خود بطور وسیعی از آن بهره گرفته است.

ماغتیم قلی برخلاف برخی از شعرا، چیره خوار دربار و یا طبقات حاکم جامعه زمان خود نشده، بلکه با هنر و زحمت خویش امرار معاش نموده است. شغل اصلی وی نقره کاری بوده و گاهی نیز به کفایش و تدریس اشتغال ورزیده است. علاوه بر اینها وی تدوین آثار بزرگ ادبی خویش را نیز بلا انقطاع ادامه داده است.

اشعار جداگانه ای از ماغتیم قلی، بتدریج از سال ۱۸۴۲ در مطبوعات روسی و از سال ۱۸۶۴ در مطبوعات اروپایی ظاهر شده است. سپس از اوائل قرن بیستم مجموعه اشعار وی در میان ترکها و تاتارها و سایر خلقهای آسیای بقیه در صفحه ۶

بهناسبت روز پیشمرگه

در تاریخ هر خلقی روزهای بیادماندنی ، روزهایی که در تاریخ مبارزات یک خلق بعنوان نقاط عطفی بشمار میروند ، کم نیستند . این روزهای فراموش نشدنی ممکن است برای خلقی یادآور روزهای تلخ شکست و یا خاطره شیرین روزهای پیروزی باشد . مهم ، کسب تجربه و فراگیری دلایل آن شکست و یا آن پیروزی و بکارگیری آن جهت تدویم پیروزیها و غلبه بر دشمنها میباشد .

گاه ، نام این روزهای تاریخی ، خود یادآور شکوه و عظمتی است که هر خلقی در مقطعی از مبارزات خود آنرا آفریده است . طبیعی است که زنده نگهداشتن این روزهای تاریخی ، از یکسو نشان دهنده ارج و احترامی است که هر خلقی به دستاوردهای بزرگ تاریخی و آفرینندگان آن ، میگذارد ، و از سوی دیگر بیانگر تسلل مبارزات و ادامه آن بوسیله نسل امروز میباشد .

یکی از این روزهای تاریخی و فراموش

امروزه ، آوازه قهرمانیهای پیشمرگان خلـص کرد ، این مبارزان راه دمکراسی برای ایران و خودمختاری برای کردستان ، نه تنها از چهار-چوب کردستان فراتر رفته و در میان دیگر خلق های تحت ستم ایران و تمامی مبارزین راه آزادی و بهروزی مردم ایران طنین افکند ، بلکه این آوازه به گوش سایر خلقهای جهان نیز رسیده است .

پیشمرگان خلق کرد با فداکاری و مقاومت حماسه ای خود در فـیـاز نیروهای سرکوبگر رژیم فـهـرمان را در دامان خود پروارنده است ، و امروزه مبارزه جانانه پیشمرگان این حزب در مقابل دژخیمان جمهوری اسلامی مؤید این امر است ، جهت زنده نگهداشتن روز ۲۶ آذر ماه و برای قدردانی از فداکارهای پیشمرگان ، این روز را ، "روز پیشمرگه" نامگذاری کرده است . در این روز هر ساله خلق کرد جهت قدردانی از شهدای جاوید خود بر سر مزار آنان میروند و جهت ادامه راه آنان ، تجدید پیمان میکنند .

حماسه ای خود در فـیـاز نیروهای سرکوبگر رژیم ضد خلقی خمینی ، نشان دادند خلقی که برای دستیابی به خودمختاری و حق تعیین سرنوشت خویش بدست خویش بپایم خیزد ، دارای چه نیروی لایزال است . باقی ماندن کردستان ، بعنوان تنها سنگر آزادی و قلب پر طیش انقلاب بهمین ایران تا امروز ، معلول این جانانیهها و قهرمانیهای پیشمرگه های خلق کرد است . ابعاد این مقاومت و مبارزه از جقیه در صفحه ۱۱

بهناسبت ۹۰مین سالگرد تولد فیما

بخوان ای همسفر با من

ره تاریک با پاهای من پیکار دارد
بهر دم زیر پایم راه را با آب آلوده
سنگ آکنده و دشوار دارد؛
پیشم پا ولی من راه خود را می سپارم.
جهان تا جنبشی دارد رود هر کس به راه خود،
عقاب پیر هم غرق است و مست اندر نگاه خود.
نباشد هیچ کار سخت کان را در نیابد فکر آسان ساز،
شب از نیمه گذشته ست، خروس دهکده برداشته است آواز؛
چرا دارم ره خود را رها من
بخوان ای همسفر با من!

به رو در روی صبح این کاروان خسته می خواند
کدامین بار کالا سوی منزلگه رسد آخر
که هشیار است، کی بیدار، کی بیمار؟
کسی در این شب تاریک پیما این نمی داند.

مرا خسته در این ویرانه مپسند.
قطار کاروانها دیده ام من
که صبح از رویشان پیغام می برد.
صداهای جرسهای ره آوردان بسی بشنیده ام من
که از نقش لمبیدی آب می خورد؛
نگارانی چه دلکش را به روی اسبها می برد.

پلیدی زیر افرادار
شکسته بود کندوهای دهقانان و
خورده بود یکسر.
دل آکنده زهر گونه خیر، می داری تو مید همسایه گذر با من
بخوان ای همسفر با من!

چراغی دیدلی از راهی اگر پیرایه مند سردری بود
ز باغی خوش کزان در بر رخ مردم گشایند
اگر چنینه آبی بود دریایی، چه پایی
پی آنتست این دریا که با کشتی بر آن روزی درآیند.
خیال صبح می بندد به دل این ظلمت شب
پر از خنده هزاران خنده او را بر شیار روی غمناکان
کامید زنده ای خود مرده می دارند.

مکن تلخی، میر امید
ترا بیمار سر برداشت، دستش گیر
بین شهد لب پر خنده ای او را چه گوید
چه کس در راه پوید

پریشان و بدل افسرده
بیابان سنگها را، سنگها روی بیابان
اگر چه هر رنج آورده بنماید فسرده
چراغ صبح می سوزد به راه دور، سوی او نظر با من
بخوان ای همسفر با من!

فسون این شب دیجور را بر آب می ریزند.

در اینجا، روی این دیواره، دیوار دگر را ساخت خواهند؛
فزاینند و نمی گاهند.

که می خندد برای ماست
که تنها در شبستان دیده بر راه است
بچشم دل نشسته در هوای ماست
در آن دم هر چه سنگین بود از خواب
خروپس صبح هم حتی نمی خواند
به یغمای ستیز بادها باغ
فسرده بود یکسر

که بر آن چنگ تار از پوست مرغ طرب بسته است
کسی تا این نگردد چنگ را هر تار بگسته ست.
برای کیستند اینان اگر نه از برای ماست؟
چراغ دوستان می سوزد آنجا دیدمش خوب
نگارینی به رقص فرزان صبح حیران
نشسته در... مهوشی

هنوز آن شمع می تابد هنوزش اشک می ریزد.
درخت سیب شیرینی در آنجا هست، من دارم نشانه،
بجای پای من بگذار پای خود ملنگان پا
پهچان راه را دامن
بخوان ای همسفر با من!

بهناسبت شصت وهشتمین سالگرد تولد ناظم حکمت

ناظم حکمت شاعر و پیکارگر ستروک و خشکی ناپذیر راه آزادی و دموکراسی، استقلال در سال ۱۹۰۲ در "سالونیک" چشم به جهان گشوده است. پس از اتمام تحصیلات مقدماتی در شهر اسلامبول در سال ۱۹۲۰ به اتحاد جماهیر شوروی رفته در دانشگاه مسکو به تحصیل در رشته علوم سیاسی می‌پردازد. در سال ۱۹۲۸ به میهن خود باز می‌گردد. وی به زبانهای فرانسوی و روسی تسلط کامل داشته است. از سال ۱۹۱۸ تا واپسین دم حیات خود، ۴۷ سال تمام شعر سروده و در عرصهٔ رسان و نمایشنامه نیز قلم زده است. ناظم حکمت، نه تنها ترانه سرای ملی خلق خود بلکه مبارز نستوهی بوده است که در برابر صوفانهای سهمگین زندگی سینه سپر کرده، بخش عمده ای از حیات پربارش را در زندانها و شکنجه گاهها سپری نموده است. وی ۱۳ سال از بهترین دوران زندگی را در زندانهای موحش ترکیه، که به شیوهٔ آمریکائیا اداره می‌شوند سپری کرده است. او علیر غم آئینه سختیها و مرارت‌هایی که با آنها دست به گریبان بوده، هرگز از کسی انتظار تقدیر و یا شفاعت نداشته و قهرمانانه در برابر نامالیقات ایستاده است. ناظم حکمت به سخنان "توفیق فکرت" صادقانه ایمان داشت که می‌گفت: "اگر بگویند ت، بشکن و بیفت، اما خم نشو!" شاعر عشق عمیق خود را به زحمتکشان و محرومان خلق خود چنین بیان می‌شد:

"من ،

فرزند توده های میلیونی ام

که تازیانه پشتمان را شیار میزند .

من ،

ناله روزه ای دشوار و طاقت سوز آنامم .

ناظم حکمت نه تنها شاعر خلق ترک، بلکه

شاعر همهٔ انسانهای جهان می‌باشد. شاعری

نه سرنوشت خود را با پیکار تمامی انسانها در راه آیندهٔ تابناک، صلح و دموکراسی پیوندی جاودانه زده است. وی در مقدمه ای بر مجموعه آثار خود چنین می‌نویسد:

"نویسندهٔ کتاب، شاعر ترکی است که برخود می‌بالد از اینکه قلب و روح، اندیشه و قلم و تمامی زندگی اش، را به خلق خود اهدا نموده است. از سوی دیگر این شاعر بدون توجه به نام، موقعیت جغرافیایی، بصرق و ملیت خلقها، مبارزات آنانرا در راه استقلال ملی، عدالت اجتماعی و صلح، در اشعار خود منعکس نموده است. پیروزی آنانرا پیروزی خلق خود، شکست آنانرا شکست خلق خود، غمها و شادیهایشان را غم و شادی خلق خود دانسته است. در این کتاب ظنین غمها، شادیهها، شکستها و پیروزیهای آنانرا خواهید شنید". شاعر در پایان مقدمهٔ فوق چنین می‌نویسد:

"اشعارم بجز در خاک میهنم دارند، اما کوشیدم تا از طریق ریشه های آن به شرق و غرب، شمال و جنوب، به گسترهٔ بی‌کران همهٔ سرزمینها، به تمدنهایی که بر روی آنها بنا گشته اند و به تمامی دنیای بزرگمان امتداد یابم .

اگر انسانی در هر کجا، هر زمان و به هر زبانی شعری سروده باشد، که بردارو اندیشم بشنید، کاشگرانه کوشیدم تا مهارت‌های سرایش او را یافته، چیزهایی از آن فراگیرم. نه تنها استادان ادبیات سرزمین خود بلکه تمامی استادان ادبیات شرق و غرب را بدیده استاد نگریستم."

شاعر و انسان بزرگ ناظم حکمت در روز سوم

زوشن ۱۹۶۶ در شهر مسکو در حالیکه آخرین

سرودهایش را زمزمه می‌کرد دیده از جهان

فرو بست :

"لحظه جدایی هر روز نزدیکتر می‌شود

الوداع ، ای دنیای زیبایم !

و درود ای کائنات !"

شعر زیر برگردان یکی از آثار معروف شاعر انقلابی ترکیه ناظم حکمت ، به زبان ترکمنی است .

کرم یالی

قۇشۇن یالی باسیار بو یرده هاوا ،

قیقیریان ، قیقیریان آدام لارا من :

"گئینگ ، کۆمک پرینگ ، گئینگ قولداوا ،

ایرده لینگ قۇشۇنی بیز گؤچ بیلن "

اسید یارین من :

"قاوسی نیقیرما ،

قاوسو دئم سین .

یانارینگ ، یانارینگ یوقسا اۇزینگ هم .

کرم یالی ،

دۆله دؤنرسینگ بو دم ."

دردینگک دیره آدام یوق ، بآرده ،

بیورکلر دونگودئر دآشلار مثالی .

هاوا قۇشۇنداندا آغئر بو یرده .

بیر وقت کرمینگ یانشی یالی ،

هاووا ، شونینگ یالی ،

شونینگک یالی یانماق ایسه یارین من .

اگر - ده من یانماسام ،

اگر - ده سین یانماسانگ ،

اگر - ده بیز یانماساق ،

کیم قارا تۆمی دارقا دار ؟

قارا تویراق دان - دا آغئر بۇ هاوا...

ینه - ده چاقئیریان آداملاری من :

"گئینگ ، گئینگ ! دیپ اهلینگ قولداوا ،

ایرده لینگ ،

مۇشۇنی بیز گؤچ بیلن !"

×××××

کرم - یالی غنایر حالق لارینگ اُسطورهای

تهرمانی ، روایاتا کؤرا اُل عاشق لثقدان

ادا یانپدئر .

اعلامیه کانون فرهنگی - سیاسی خلق ترکمن

مردم آزاده ایران!

نیروهای مترقی و انقلابی!

رژیم جنایتکار خمینی، از پید و انقلاب بانحا مختلف و با تحمیل دو جنگ و زنجانی، شکنجه و اعدام کردن شریفترین فرزندان خلق ترکمن، دینه حیوانی خود را نسبت به این خلق نشان داده است. این رژیم نه تنها از همان ابتدا با خواستهای عادلانه خلق ما شدیداً به مخالفت برخاسته و سعی در خفه کردن هرگونه ندای آزادیخواهانه این خلق برآمده، بلکه با تمام قوا می کوشد تا دستاوردهای انقلابی خلق ترکمن را بازستانده و بزرگ مالکان و پورزوا - ملاکان را به منطقه بازگرداند.

رژیم خمینی چندین بار در طول حیات تشکیل خود، مزه تلخ قدرت تودهای و اقدامات انقلابی کانون فرهنگی - سیاسی خلق ترکمن و ستاد مرکزی شوراهای ترنمنصرا را چشیده است، اکنون با حرکت نوین کانون، در جهت جلوگیری از فعالیت آن در ترکمنصرا، به

تظاوی افتاده و حکومت شبه نظامی در آنجا برقرار ساخته است.

تمامی تقاضاجاده های ورودی و خروجی به شهرهای منطقه بیسلیه سپاه و بازرسی و کنترل شدید میشود. هرگونه تجمعی، حتی مراسم ترحیم، اگر بدون اطلاع قبلی به سپاه، برگزار گردد، فوراً صاحب مجلس ترحیم مورد بازداشت و بازجویی قرار میگیرد. حتی اگر چراغ خانه ای بعد از ساعت ۱۱ شب روشن بماند به صاحب خانه ظنین شده و برای تفتیش، سرزده وارد خانه می شوند. در صورت تکرار قضیه، صاحب خانه دستگیر و مورد بازجویی قرار میگیرد.

بازداشتها و خانه گردیهای هر روزه به امری عادی تبدیل شده است. تاکنون چندین نفر از افراد شناخته شده ای که در گذشته دور فعالیت سیاسی داشته و مدتی نیز زندانی

بوده اند، دوباره بازداشت شده و مورد شکنجه قرار گرفته اند.

تاکنون بارها اتفاق افتاده است که ایادی رژیم به روستاها یورش برده و به بازداشت دستجمعی جوانان پرداخته اند. اکثر بازداشت شدگان مورد شکنجه (بخصوص شلاق زنی) قرار گرفته اند. افرادی از خانوادها فعالین سیاسی که تحت تعقیب رژیم هستند، نیز بازداشت و مورد بازجویی و شکنجه تکرار گرفته اند.

ما از تمامی نیروهای مترقی و انقلابی ایران می خواهیم تا صدای اعتراض خود را نسبت به جنایاتی که رژیم خمینی در گوشه ای از خاک میهنمان انجام میدهد، بلند بکنند و مردم آزاده دیگر نقاط میهنمان را از آن آگناه سازند.

مرگ بر خمینی جلاد،

سرنگون باد رژیم جمهوری اسلامی.

کانون فرهنگی - سیاسی خلق ترکمن

اخبار ترکمن صحرا

بسیج ایادی رژیم در منطقه جهت

تحقق فرمان بسیج خمینی

بدنبال صدور فرمان بسیج از طرف خمینی، برگزاری سینهارها و جلسات مختلف ایادی رژیم در منطقه، جهت بررسی چگونگی تأمین نیروی انسانی و مالی و تحقق فرمان بسیج علیه مردم، آغاز گردید. تمامی برنامه های رادیو گسرگان و خطبه های نماز جمعه در شهرهای منطقه در جهت ترغیب مردم به اعزام و یا کمک مالی در خدمت تحقق فرمان بسیج قرار گرفته است. تمامی نیروهای انتظامی در منطقه جهت تبلیغ فرمان بسیج خمینی، بسیج شده اند. اقصاد زیادی بخاطر اینکه جهت دادن مبلغ پایامی بیست هزار تومان، تحت فشار قرار گرفته اند،

کردن جیب مردم به حساب مردم است.

توسل به دروغ جهت جمع آوری کمک به جیبه ها

رادیو گرگان هر روز ارقام نجومی از به اصطلاح کمکهای مردم منطقه، جهت ترغیب مردم برای کمک به جیبه ها، پخش می کند. در تحقیقاتی که هواداران کانون از روستاها و شهرهای منطقه بعمل آورده اند، قریب به ۹۵٪ این آمارها کذب محض بوده و حداقل "کمکی" نیز که رژیم در منطقه جمع آوری میکند، نه بطور داوطلبانه، بلکه بالا اجبار و به ضرت مختلف از مردم ستانده میشود. بقیه در صفحه ۱۱

نیتوانند آزادانه در محل کار و کسب خود حاضر شوند.

کک به " مستضعفین " بحساب خود مستضعفین!

رژیم جمهوری اسلامی، اخیراً سندوقی بنام " سندوق کمک به مستضعفین " در منطقه ایجاد کرده و با هیاهوی زیاد، بخصوص از طریق رادیو گرگان، مردم را تشویق به وارسی کردن کمکهای خود به این سندوق میکند. ایجاد این سندوق از یکسو نشانگر وضعیت فلاکت بار اقتصادی مردم در منطقه و از سوی دیگر دست یازیدن رژیم ضد بشری ولایت فقیه برای خالی

ما غنیم قولی

میانه بصورت کتاب مستقلی منتشر گردیده است. بدین ترتیب آثار مخطومقلی نه تنها ترکمنها بلکه توجه دانشمندان شرقی و غربی را نیز به خود جلب نموده است. و این نیز دلالت بر این دارد که شاعر یکی از استادان بزرگ سخن بوده است.

تعدادی از اشعار مخطومقلی در عین حال نه بین ترکمنها دهان به دهان گشته و تا زمان ما رسیده است، در میان خلقهای همسایه (ازبکها، قزاقها، قازاقلیاها، دردهای خراسان، ترکها و...) نیز جایگاه معینی سبب نموده است. حتی بعضی از خوانندگان خلقهای مذکور برخی از اشعار وی را در مقام ترانه های ملی خود می خوانند.

مخطومقلی بعنوان شاعر بزرگ کلاسیک زمان خویش، با ارائه بهترین نمونه های هنر سخن در ادبیات ترکمنی شاعر محبوب خلق خویش گشته است. وی شاعری است که در عرصه نزدیک کردن ادبیات به توده مردم و پیوند آن با آمال و آرزوهای جامعه و رشد و ارتقاء ادبیات ترکمنی، خود را به مردم شناساننده است. اما وی از نظر جهان بینی طبقاتی خویش قادر نبوده است از چارچوب دوران فتودالیزم فراتر رود.

در آثار مخطومقلی به اشعاری که مضامین مختلف سروده شده است برخورد می کنیم. بر-جسته ترین این مضامین عبارتند از:

- ۱- اشعار اخلاقی - تربیتی که با خصوصیت بند و اندرز سروده شده است.
- ۲- اشعاری که پیرامون مسائل دینی و اعتقادی نوشته شده است.
- ۳- اشعار انتقادی.
- ۴- اشعاری که درباره خصلتهای انسان چون مردانگی، جوانمردی، شجاعت و... سروده شده است.
- ۵- اشعار فلسفی درباره پدایش جهان و حرکت تخمیر یابنده آن.
- ۶- اشعار لیریکی (غایی) که بطور خودانگیخته

از درون شاعر جوشیده است. ۷- اشعار و غزلهایی که در رابطه با عشق و محبت سروده شده است.

در آثار مخطومقلی کم نیستند اشعاری که میانگر ظلم و ستمهای صیقه حاکم و انواع نیرنگها، رشوه خواریها و سیه کاریهایشان بوده و زندگی اسارت بار هزاران دهقان و دامداری نوایی را که در اثر استثمار بیسایه ظالمان به روزگار سختی گرفتار آمده اند، توصیف می نماید:

پیغمبر اورنوند! اُتوران قاضی،
پارا اوچین رالین آجا باشلادی،
پاخشلار خورلا نئب یوزن ساراردئپ،
ظالملا ر مظلوماسیرتین غاباردئپ،
قامچئشئندان قانلار داماشلادی،
مائمتم قولی غاریپ لارینگ گوز یاشی،
داغلارئ یاندیرار ایدر داشی.

قاضی که بر مست پیغمبر نشسته است، دست خود به رشوه گشودن آغازید، فقرا شده رنجور، چهره هاشان گشته زرد، ستگران که تحقیر می کنند مظلومان را، از تازیانه شان خون چکیدن آغازید، مخطومقلی، اشک چشم فقیران، کوهها سوزاند و سنگها گدازد.

اما مخطومقلی راه مشخصی جهت رهایی از آن وضع فلاکت بار، زمانیکه وجودش آکنده از آشتی ناپذیری و ناراضیتی از صیقه حاکم بود، ارائه نیدهد.

مخطومقلی در آثار خود نشان می دهد که فقرا شایستگی انجام هر کاری را داشته صرفا از روی اجبار و به ناچار در چنان وضعی مانده اند. برعکس آنها، متولین که صرفا با بهره برداری از زحمات و دسترنج آنان صاحب مال و مال گردیده اند، تنها به پشتوانه ثروتهای خود اسم و رسمی بهمزده اند. اینگونه اشعار مخطومقلی، تصور زیر از زمینه را که می گوید:

ماصلاحات سوزارلار دوندان - قوشاقدان،
غاریپ بولساگ یاغشی گوزم اشکدن.
(یعنی) نسبت به تو پیراساسر. جامه توت قضاوت

می شود، به فقرا قدر یک چهارپا نیز ارزش. قائل. نمی شوند.

بیاد خوانندگان می آورد و حر مخالفت علیه جامعه کهنه را در آنان بیدار نموده و از این ضریق اختیار خود را در نزد مردم هر چه بیشتر بالا می برد.

برخی از اشعاری که در آثار مخطومقلی وجود دارد، جبر و ستم فوق العاده و برخورد های خلاف و ناپسندیده روحانیون آن دوره با مردم رنج دیده و زحمتکش را تصویر می نماید. وی قاضی می کند که قضاوت، ملاها، ایشانها و مجتهدین آن دوره چگونه به نام دین و بخاطر منافع شخصی خودشان خون خلق را میکیدند، وی حتی با گفتن:

سلله اُراب باشنا، آچ بوری صوفی - بیرلر
ایله ییب حالق اوستونه یوز حیلی تزویلر.
(یعنی) عمامه پیچیده به سر، صوفی ها و پیرها، این گرگان گریسته،

بر سر خلق آورده صدگونه تزویر و ریا. آنان را به گرگ تشبیه نموده و اظهار میدارند که ایشان درندگانی هستند که خلق را غارت می نمایند. شاعر با بیان سخنان زیر:

تاشگری پیغمبر سوزوندن بیخیر بیرلر،
پاشتی قاضی بیلیپ، ظالمغا نایپ دیرلر،
هر کیشی گوزسه - گلیپ، اول رشوت بیرلر.
(یعنی) از سخنان خدا و پیغمبر غافلند

مجتهدین، فاسق را قاضی نموده، به ظالم گویند نایب، هر که بحضور میرسد، ابتدا رشوه می دهد.

نشان می دهد که چگونه نواب و قضاوت که بعنوان پاسداران حقوق مردم گمارده شده اند، در گمراهی فرو رفته، کارها را از طبعی رشوه و اخاذی حل و فصل می نمایند.

توانایی مخطومقلی در بیان معانی ژرف به زبان ساده و قابل فهم، و تصویر آن په کمک "تیهایی" که از زندگی واقعی مردم گرفته بود، علاقه مردم را نسبت به وی هر چه بیشتر افزایش داده است.

انقلاب بهمن و ...

را فراهم نمود و موجبات گسترش روابط سرمایه - داری وابسته را مهیا ساخت . در این دوره ، از آنجا که بازرگانی فعالترین بخش اقتصاد کشور بود ، بورژوازی تجاری این امکان را یافت که سریعاً شغل گرفته و در ارتباط سیستماتیک با بازار کشورهای استعماری و امپریالیستی قرار گیرد و بتدریج به عامل اجرای سیاستهای استعماری و امپریالیستی در ایران تبدیل شود .
پس این گسترش روابط سرمایه داری در ایران از همان ابتدا دارای محتوی وابسته به امپریالیسم بوده و بورژوازی ایران را نیز الزاماً بورژوازی وابسته تشکیل میداد .

جایگزینی کامل سیستم سرمایه داری بجای سیستم فئودالی و نیمه فئودالی در ایران مسا انجام اصلاحات معروف به انقلاب سفید شاه همزمان است . شاه بنابه توصیه اربابان خود در واکنش منببور بود جهت مهار کردن انقلاب از پائین به " انقلابی " از بالا دست یزنده ر شد و گسترش مناسبات سرمایه داری و مآل تسلط نظام سرمایه داری در ایران ، منافعی امپریالیسم جهانی و کسرنهای بین المللی و نیز افخ خود شاه و بورژوازی کپرادور ایران را در داشت . " انقلاب سفید " شاه آخرین ضربه زای به فئودالیسم در حال احتضار وارد آورده و قدرت و محدوده عمل قشر ممتاز فئودالها را تنگ و تنگتر کرد . با آغاز " انقلاب سفید " شاه ، مناسبات سرمایه داری ، بعنوان نظام اجتماعی مسلط ، در تمام نقاط ایران گسترش یافته و ورود سرمایه و کالاهای سرمایه انحصاری دنیای غرب و توزیع آن در اقصی نقاط ایران تسریع گردید . اصلاحات شاهانه ، پایه های اقتصادی و سیاسی بورژوازی کپرادور را مستحکمتر کرده و آن را یکه تاز میدان سیاست و اقتصاد جامعه کرده .

رژیم وابسته شاه برای تشویق سرمایه های خارجی جهت سرمایه گذاری در بازار مستعد ایران ، وعده " تأمین ۳۰٪ سود خالص را به آنها داد . این میزان در عمل - هنگامی که

سرمایه های خارجی عرصه اقتصاد ایران را درنوردیدند - از مرز ۵۰٪ نیز گذشت (۱) . بورژوازی کپرادور ، دربار ، بورژوازی رشوه خوار بوروکراتیک و بورژوا - ملاکان بتدریج تا ۸۰ درصد دارایی مملکت را در اختیار گرفتند ، در حالیکه اینان تنها ۱٪ جمعیت ایران را تشکیل میدادند . در نتیجه تمرکز انفجار آمیز ثروت کشور در چنگ ۱٪ جمعیت ، فقر و تنگدستی مدهشی دامگیر میلیونها زحمتکش شهر و روستا شد . خیل عظیمی از روستائینی که زمینهایشان را از دست داده و یا صاحب زمینی نبودند ، راهی شهرها شدند . در پی سرازیر شدن اینهمه روستایی بشهرها و نیز وارد کردن بی رویه محصولات کشاورزی از خارج ، تولید محصولات کشاورزی در روستاهای ایران بشدت سقوط کرد . البته عدم بهره برداری صحیح و مکانیزه نبودن بیشتر زمینها نیز یکی از دلایل این سقوط است . در نتیجه رژیم شاه مجبور شد از خارج حتی محصولات کشاورزی باز هم بیشتری وارد کرده و از این لحاظ نیز به بازار سرمایه - داری جهانی وابسته گردد (۲) .

حبیقه کارگر ایران که در اقتصاد کشور نقش تعیین کننده ای داشته و قریب به ۱۰٪ جمعیت ایران را تشکیل میداد ، نه از دستمزد کافی برای امرار معاش برخوردار بوده و نه از حقوق سند - یلی و تشکلهای صنفی . خرده بورژوازی کثیر - العده که حدود ۵ میلیون نفر را شامل میشد و از آنجا که چه به لحاظ اقتصادی و چه به لحاظ سیاسی در تنگنا قرار داشت ، در نتیجه سیاستهای ضد ملی و ضد خلقی رژیم شاه بستمه آمده بود . بورژوازی تجاری بازار که سودای کنترل بازار داخلی و بیچنگ آوردن بازار خارجی را در سر می پروراند ، رژیم شاه و بورژوازی کپرادور را جانحسر راه خود میدید . تا وقتی که بورژوازی کپرادور بر سر قدرت بود ، میدان برای بورژوازی تجاری بازار کاملاً تنگ بود .

بدینسان تضاد عقیق و روز افزون بورژوازی بزرگ و وابسته و دربار با توده عظیم دهقانان ،

کارگران ، خرده بورژوازی و حتی بورژوازی متوسط زمینه وقوع انقلاب بهمن را از هر لحاظ فراهم ساخت . روحانیون ضد شاه به رهبری خمینی ، بعثت نبود اپوزیسیون مرقی مشکل در عرصه سیاسی جامعه و با استفاده از معتقدات مردم بستوه آمده از دست رژیم استبدادی شاه ، بر موج انقلاب سوار شده و رهبری انقلاب را بیچنگ آوردند . روحانیون بقدرت رسیده که عدالت دارای خاستگاه طبقاتی خرده بورژوازی بودند ، بهمه بورژوازی تجاری بازار و بورژوازی لیبرال و ملی حاکمیت جدید محصول انقلاب را تشکیل دادند . حاکمیت جدید که از بورژوازی بزرگ و وابسته و بورژوازی بوروکراتیک سلب قدرت کرده بود ، در عین بی برنامهگی ، به لحاظ اقتصادی و سیاسی در جهت تأمین و تضمین منافع بورژوازی تجاری و قشر بالای خسرده بورژوازی گام بر میداشت .

اعلام تقدیر مالکیت در اصل ۴۷ قانون اساسی جمهوری اسلامی تضمین بزرگی بود برای بورژوازی تجاری و بورژوا - ملاکان . همچنین تأکید خمینی و دیگر سردمداران رژیم ولایت فقیه روی عدم انباشت سرمایه در دست اندک افراد ، تضمینی بود برای بخشش به قدرت رسیده . خرده بورژوازی جهت دست یازیدن به بخشهای مهم اقتصادی با استفاده از اهرمهای سیاسی موجود -

از آنجا که خرده بورژوازی بقدرت رسیده همواره نظر به بالا دارد و با توجه به ماهیت بی ثبات این قشر ، مستحیل شدن آن در اقتدار دیگر بورژوازی و یا تبدیل آن به قشری از آن ، یک امر قانونمند است ، بررسی پیرویه چند ساله بعد از انقلاب حل شدن بخشی از این خرده بورژوازی در بورژوازی تجاری و تبدیل شدن بخشی دیگر از آن به بورژوازی بوروکراتیک را نشان می دهد . بخشش وعده خرده بورژوازی بقدرت رسیده با استفاده از رشد بخشهای دولتی و دریافت رشوه های کلان ، بسورژوازی بوروکراتیک نویای فاسدی را تشکیل داده است .
بقیه در صفحه ۸

انقلاب بهمن و...

حتی اکنون ۲۰٪ فعالیت اقتصادی جامعه در اختیار این قشر قرار دارد .

بورژوازی تجاری نیز که اکنون یکه تاز میدان بازار داخلی کشور شده و بازار خارجی را نیز بچنگ آورده، با دست زدن به احتکار و گران-فروشی و سوء استفاده جنایتکارانه از وجسود جنگ ایران و عراق به ثروت نجومی دست یافته است . این بورژوازی در حال حاضر با پشتوانه مالی عظیمی که در اختیار دارد و با توجه به نفوذ و قدرتی که در حاکمیت دارد ، و نیز بسا در نظر داشتن روابط اقتصادی ای که بسا انحصارات بین المللی ایجاد کرده است، از هر باره آمادگی تبدیل شدن به بورژوازی کپرادور را دارد . آنچه که این روند را تسریع خواهد کرد ، کسب قدرت سیاسی کامل توسط این بورژوازی است ؛ تلاش در این جهت ، یکی از عرصه های حاد برخورد های موجود در حاکمیت را تشکیل می دهد .

در هر حال می توان نتیجه گرفت که نظام اقتصادی و سیاسی رژیم جمهوری اسلامی، قدمی فراتر از چارچوب نظام سرمایه داری پر نداشته و بر نمی دارد . روابط تنگاتنگ اقتصادی ایران با سیستم بین المللی سرمایه داری و وابستگی اقتصاد ایران به این سیستم و نیز موازین مدون در قرآن و آثار تئولوگهای اسلامی که اکنون در رأس حکومت فعلی قرار دارند ، حفظ چارچوب نظام سرمایه داری را ایجاب می کند . اقدامات جمهوری اسلامی در جهت دولتی کردن صنایع بزرگ ، نفت و گاز ، کارخانجات بزرگ ، بانکها ، بازرگانی خارجی تخمیری در این چارچوب نمی دهد . اکنون جای بورژوازی بزرگ و وابسته را خود رژیم گرفته و نوعی سرمایه داری دولتی ایجاد کرده است .

رژیم جمهوری اسلامی ، تحت فشار توده مردم و نیروهای انقلابی و مرفی و در شرایط جو انقلابی بعد از انقلاب ، بعکس عرصه های اقتصادی ، در عرصه نظامی و سیاسی به اقدامات قابل توجه ای دست زده و این عرصه را از

وابستگی کامل رهانیده است . لغو قرارداد های نظامی دو جانبه با امپریالیسم آمریکا و دیگر قرارداد های نظیر آن ، خارج شدن از پیمان سنتو ، اخراج مستشاران نظامی آمریکایی از ارتش ایران و کوتاه کردن دست امپریالیسم آمریکا از حاکمیت ایران ، از جمله اقدامات سیاسی و نظامی رژیم فعلی است . رژیم ولایت فقیه هر چند به لحاظ اقتصادی ، وابسته به اقتصاد امپریالیستی است ، ولی بلحاظ سیاسی "مستقل" است . صبیعی است که استقلال سیاسی بدون استقلال اقتصادی دیری نخواهد پایید . تبدیل بورژوازی تجاری ایران در اوایل قرن حاضر به بورژوازی کپرادور و کسب قدرت سیاسی با اتکا به قدرت اقتصادی توسط این بورژوازی ، تجربه تلخی است که مردم ایران شاهد آن بوده اند .

در زمینه مسئله ارضی ، کوچکترین اقدامی بنفید هقنانان از طرف رژیم ولایت فقیه صورت نگرفته و حتی تمامی زمینهایی که بعد از انقلاب بوسیله خود دهقانان صادره شده بود نیز ، بوسیله فنودالها و بورژوا - ملاکان با همکاری نزدیک پاسداران و زاندارمها از دست آنان بیرون کشیده شده و می شود . روحانیون درون حاکمیت که از دیرباز روابط حسنه ای با فنودالها و بورژوا - ملاکان داشته اند ، حتی به اعاده حیثیت از فنودالهایی پرداختند که در " انقلاب سفید " شاه متضرر شده بودند . نتیجه این اعاده حیثیت ، قرار دادن زمینهای دهقانان در اختیار این فنودالها بود . البته رژیم خمینی بدنبال وعده هایی که در بحبوسه انقلاب در رابطه با اصلاحات ارضی بد هقنانان داده بود ، دست به یسری بخشهایی در این زمینه زده بود و حتی قانون معروف به " قانون تقسیم زمین " را نیز از تصویب شورای انقلاب گذراند . این قانون بدون هیچگونه پیامدی در سطح کاغذ باقی ماند . نتیجه سیاست ارضی رژیم ناراضی گسترده دهقانان ، تشدید تنگ دستی آنان ، مهاجرت توده ای روستائیان به شهرها و در نتیجه کاهش تولید فرآورده های

کشاورزی تا حد ۵۰ درصد بوده است . صیقه کارگر نیز وضعیتی بهتر از دهقانان ندارد . دستمزد کارگران علیرغم افزایش سرسام آور قیمت اجناس و اجاره خانه و غیره ، در همان سطح سابق خود باقی مانده است . از برسمیت شناختن تشنگیهای کارگری ، حق اعتصاب ، سالم سازی محیط کار ، اتخاذ تدابیر امنیتی و ایجاد وسایل ایمنی در محیط کار ، بیمه درمانی و باز-نشستگی و غیره صحبتی هم در میان نیست . صیقه کارگر ایران که با دست زدن به اعتصابات گسترده در سراسر ایران و نیز با حضور یکپارچه خود در تظاهرات ضد رژیم شاه ، نقش بزرگی در سرنگونی رژیم سلطنتی داشت ، اکنون به مراتب بیش از دیگر اقشار و طبقات جامعه تحت فشار است .

خرده بورژوازی شهری ، اقشار میانی و روشنفکران که با خواستهای دموکراتیک ، وسیعا در انقلاب شرکت کرده و خواهان ایجاد نظامی دموکراتیک در ایران بوده اند ، مدت است که در برابر رژیم قرون وسطایی خمینی ایستاده اند . بنابراین از میان تمام طبقات و اقشاری که در انقلاب شرکت جسته اند ، تنها بورژوازی تجاری بازار و بخش به قدرت رسیده خرد بورژوازی و نیز بقایای فنودالها و بورژوا - ملاکان ، از امکانات اقتصادی و سیاسی برخوردار شده اند .

انقلاب بهمن هر چند انقلابی بزرگ و توده ای بود ، لذا در ساختار اقتصادی کشور هیچگونه تخمیری ایجاد نکرده و در سطح انقلاب سیاسی باقی مانده و به انقلاب اجتماعی فرا نرؤید . تنها تغییراتی که در جامعه انجام گرفت ، جابجایی در سطح طبقه بورژوا بود . با سرنگونی شاه بورژوازی بزرگ و وابسته از صدر قدرت به زیر کشیده شد و بورژوا - ملاکان و بورژوازی بوروکراتیک وابسته به رژیم شاه ضرات بزرگی خوردند .

با روی کار آمدن رژیم خمینی خرد بورژوازی و بورژوازی تجاری جایگزین بورژوازی بزرگ و بقیه در صفحه ۱۱

جنگ و بحران ...

شورهای عضو ناتو نخواهد داد. اظهارات ریگان در جواب خبرنگارانی که چگونگی امکان خروج نیروهای آمریکایی از خلیج فارس را جویا شده بودند، نشان دهنده موضع این کشور در قبال پیشنهادات شوروی است. ریگان به خبرنگار نگاران گفته بود: "پاسخ به این پرسش آسان است، نه!". بنا بر این علت سفرهای متعدد فرانک کارلوجی، وزیر دفاع آمریکا به کشورهای عربی منطقه، دیدار گنشر وزیر امور خارجه آلمان غربی از کشورهای عربی و ملاقات فرمانده ناوگان ششم آمریکا با رئیس جمهوری تونس و سفر وزیر دفاع انگلستان به عربستان سعودی و دیگر کشورهای عربی را باید در تلاش برای علی ساختن همین "ریگان جستجو کرد". آمریکا، همانگونه که قبلا جهت استقرار ناوگانهای خود در خلیج فارس، از درخواست کویت مبنی بر حمایت از کشتیهای نفتکش آن کشور توجیه "قانونی" تراشیده بود، امروز نیز جهت ادامه حضور خود با توجه به فشارهای فزاینده جهانی به این کشور، باید دنبال توجیهات "قانونی" بیشتری از طرف کشورهای منطقه خلیج فارس بگردد. در این رابطه است که گردهمایی آعضو شورای همکاری خلیج (عربستان سعودی، کویت، بحرین، امارات متحده عربی، عمان و قطر) در ریاض در دهم دیماه و اظهارات سران مرتجع این کشورها در این اجلاس معنای ویژه ای مییابد. ملک فهد، پادشاه عربستان سعودی، در نطق افتتاحیه این اجلاس گفت: "چنانچه چنگک همچنان ادامه یابد و ابعاد گسترده تری بخود بگشاید، کشورهای منطقه مجبور خواهند شد از قدرتهای خارجی استعانت کنند". منظور ملک فهد از قدرتهای خارجی "شخصا آمریکا و دیگر کشورهای غربی است". شاهزاده سعود الفیصل، وزیر امور خارجه عربستان، نیز در این اجلاس اعلام داشت که "چنانچه جمهوری اسلامی به ندای سازمان ملل متحد برای اعلام آتش بس

پاسخی مثبت ندهد، کشورهای منطقه آماده اند که در مقابل حملات ج ۱۰۰ از خود دفاع بکنند". رژیم صر، که مدتهاست نقش زاندارمی منطقه را از آن خود میداند، اکنون طلایه دار این "دفاع" شده است. اعزام ده هزار سرباز صری به عربستان جهت جایگزینی نیروهای پاکستانی، که خاک عربستان را ترک کرده اند، گوشه ای از اجرای وظیفه زاندارمی رژیم صر در منطقه است. واگذاری "کمک" ۸ / ۱ میلیارد دلاری عربستان به صر و وعده "کمکهای" ۲/۷ میلیارد دلاری از طرف امارات متحده عربی و کویت به صر و دعوت از حسنی مبارک به آلمان غربی از طرف گنشر، همه بیانگر تقویت این نقش به صر از طرف کشورهای عربی و غربی میباشد. از طرف دیگر صر نه تنها از یمن جنگ ایران و عراق. به این نقش تایل آمده و از "کمکهای" کلان کشورهای عربی و غربی برخوردار شده است، بلکه توانسته است از حالت ایزولاسیون ناشی از انعقاد قرارداد کب دیوید با دولت صهیونیستی اسرائیل نیز برآید. اما در شار این همه تغییر و تحولات و فعالیت دیپلماتیک آمریکا در منطقه خاور میانه، این کشور از حفظ کانالهای ارتباطی خود با رژیم جمهوری اسلامی نیز غافل نمانده است. در این رابطه خروج نیروهای پاکستانی از عربستان و جایگزینی نیروهای صری بجای آنها، و روی آوردن رژیم پاکستان به ایران و بیرون کشیدن خود از ماجرای خلیج فارس، با توجه به وابستگی تمام عیار این رژیم به آمریکا، نمیتواند بدون اطلاع و حتی دستور مستقیم آمریکا به رژیم پاکستان باشد.

آغاز دور جدید بحران خلیج فارس و جنگ ایران و عراق، طبیعا دولت سوریه را در وضعیت دشواری قرار خواهد داد. سوریه که تا کنون بدلیل حسن روابط خود با جمهوری اسلامی و بخاطر نقشی که میان کشورهای عربی در مسئله فلسطین داشت از موقعیت ویژه ای برخوردار بود، یعنی هم از کمکهای کشورهای

ترتیب عربی و هم از نفت مجانی ایران استفاده میکرد. اکنون این کشور بعد از اجلاس سران کشورهای عربی در امان و نیز برگزاری اجلاس کشورهای شورای خلیج که در آن ترمیم روابط سوریه با عراق و دیگر کشورهای عربی خواسته شد، مسلما بر سر دو راهی قرار خواهد گرفت. در چندسوریه اکنون به مانورهای در میان کشورهای عراق و رژیم ایران پرداخته و سعی در حفظ موقعیت گذشته خود دارد، ولی با تهدید جمهوری اسلامی مبنی بر پرداختن بدهی یک میلیارد و ۵۰۰ میلیون دلاری خود بابت دریافت نفت مجانی در ظرف ۴ سال از ایران مواجه شده است. اما شروع مذاکرات سوریه با عراق جهت برقراری مجدد روابط اقتصادی خود با این کشور، و وعده کمکهایی که از طرف عربستان به سوریه، در صورت بهبود روابط خود با عراق داده میشود، نشانگر گرایش سوریه به بیشتر سوریه بظرف عراق و بیانگر انزوای واکثر رژیم جمهوری اسلامی در مقابل این همه تغییر و تحولات در منطقه، پای فشردن خود آن بر سیاست جنگ طلبی همیشگی خود میباشد. جمهوری اسلامی که در این تغییر و تحولات، تیره تر شدن هر چه بیشتر اوضاع منطقه و تشدید شدن پای کشورهای عربی به جنگ و تشییع حضور آمریکا در منطقه و نیز تحت پوشش مقابله با حمله "ارتجاع جهانی" به ایران و "بازرزه با آمریکا" آرزوی ادامه جنگ خود را برآورده میبندد، از زبان هاشمی رفسنجانی، در نماز جمعه چهارم بهمن، در جواب به بیانیه شورای امنیت فریاد بر میآورد که: "حالا تهدید کنید، تهدید کنید به تحریم تسلیحاتی؛ اگر چنین چیزی شد، آن موقع دیگر صبر معنا ندارد، آن موقع دیگر خودداری از حمله های وسیع برای پرهیز از خونریزی زیاد دیگر برای ما مفهوم ندارد... آن موقع میبندید که از رودخون عبور خواهیم کرد...".

چند روزی از نطق هاشمی رفسنجانی گذشته بود که رژیم قرون وسطایی ولایت فقیه بقیه در صفحه ۱۰

نابود باد جنگ، برقرار باد صلح

جنگ و بحران ...

به حمله وسیع دیگری بنام "ظفره" دست زده و صدتصرف شهر بیرلوت عراق را کرده نیروهای نظامی رژیم این بار نیز نتوانست با دست زدن به تاکتیک "موج انسانی" کاری از پیش ببرد. اینبار نیز هزاران انسان بیگناه به خاک و خون غلطیدند.

از سوی دیگر، جمهوری اسلامی در هفته های اخیر با حمله به کشتیهای نفتکشی که از حمایت ناوگانهای نظامی مستقر در خلیج فارس برخوردار نبوده و عمدتاً متعلق به کشورهای بی طرف در جنگ و نیز کشورهای کوچک بودند، عملاً تیسل جستن کشورهای بی طرف و کوچک، به کشورهای غربی جهت حفاظت از نفتکشهای خود در آبهای خلیج را باعث شده و برادعای آمریکا و دیگر کشورهای عضو ناتو مبنی بر لزوم تأمین و تضمین امنیت راههای آبی در خلیج فارس صحه گذاشته است.

لیکن مجموعه این تخییر و تحولات و تشدید بحران خلیج فارس و علی شدن تهدیدات رژیم جمهوری اسلامی مبنی بر آغاز حملات وسیع، تأثیرات معینی نیز جنبش فلسطین که اوچگیری مجد آن در مناطق اشغالسی صادف با دور جدید بحران خلیج و تشدید جنگ شده است، میگذارد. در این رابطه است که یاسر عرفات در صاحبه خود با هفته نامه "الدستور" در سی ام آذر ماه بدستسی تأکید می کند: "بین حملات اسرائیل و حملات رژیم ایران یک ارتباط دائمی وجود دارد. زیرا وقتی رژیم ایران حمله می کند، اسرائیل دست به حمله مشابه علیه مردم ما در سرزمینهای اشغالی می زند. همزمان بودن تشدیدیند خشونت صهیونیستی با تشدید رژیم ایران مبنی بر حمله به عراق امری تصادفی نیست. در سال گذشته نیز در چنین زمانی که حمله ایران واقع شد، اردوگاههای فلسطین کوبیده شده اند و پیش از آن نیز بیروت در محاصره بود... من رژیم ایران را مخاطب قرار می دهم و بآنجا میگویم، این جنگ علیه ملت های مسلمان و علیه مسئله فلسطین است ..."

فتوای خمینی و تشدید ...

خواهد کرد.

هر دو جناح از یکسو، میخواهند مسورد "لطف امام" قرار بگیرند تا با پشتوانه آن جناح مقابل را "سر جای خود" بنشانند. از سوی دیگر هر دوی آنها، توسل به هر وسیله ای را که بتواند جناح مقابل را تضعیف سازد، مبارز می شمارند. اکنون پرونده سازی، تهدید، رشوه، افشای دزدیها و کلاهبرداریهای یکدیگر، افشای ضعف مفرط یکدیگر در اداره امور و ... به کار عادی و روزمره هر دو جناح مبدل شده است. در این دور از تشدید اختلافات درونی رژیم، مرکز مناقشات را حدود اختیارات دولت تشکیل میدهد. طرفداران دولت که خواهان تأمین منافع بخشهای وسیع تری از بورژوازی هستند و مخالف اختصار تمامی "نعمات الهی" فقص به بورژوازی تجاری و روحانیت مرتبط به آنها هستند، در مقابل طرفداران تحدید حیطه عملکرد دولت، که نقش آنرا فقط در حد کنترل و نظارت و مراقبت میدانند، صف آرای کرده اند. خصیصت اساسی بحران فعلی، در فراگیر بودن آن و رو در رویی تمامی "حزب الله" چه در رأس هرم قدرت جمهوری اسلامی و چه در پائین ایسن هرم، در تمامی ارگانهای اجرایی است. در هر پیچ و خم ادارات و ارگانهای رژیم، طرفداران هر دو جناح به کین نشسته اند تا با تفسیر و تعبیر و حتی تخییر قوانین، آنها را بنفع جناح مورد قبول خود جاری سازند.

همین خصیصت فراگیر بودن بحران کنونی بود، که خمینی را مجبور ساخت "سکوت" خود یعنی "بهترین طریقه" را به کناری نهد و وارد "مناقشات" جناحهای "حکومت الهی" خود گردد. اما وارد شدن خمینی به "مناقشات" نه تنها کمکی بتخفیف تضادها نکرد و هیچ جناحی "سر جای خود" نشانده نشد، بلکه بر شدت کشمکشها نیز افزود. این امر در عین حال که بیانگر تعدیل نقش خمینی حتی بر روی جناحهای درون حکومت خود که از هم اکنون

برای پاره کردن یکدیگر بر سر جانشینی خمینی و قبضه کامل قدرت، به همدیگر جنگ و دندان نشان میدهند، میباشد؛ از سویی نیز حکایت از عمق شدت اختلافات درون حاکمیت دارد. تکاپوی بیسابقه و فتوای مختلف خمینی و مراجعات مکرر شورای نگهبان به چاربان و قسیم و علی نردن کسمتها در نماز جمعه و مجلس شورای اسلامی و ... مؤید این امر است. اما مسئله قابل تعمق در این میان، اختیارات وسیعی است که خمینی در نامه خود به خاضه ای، برای اولین بار به دولت داده است. در این نامه، خمینی به صراحت اعلام کرده است که: "حکومت که شعبه ای از ولایت مستقیم رسول الله است یکی از احکام اولیه اسلام است و مقدم بر تمامی احکام فرعیه حتی نماز، روزه و حج است. حاکم می تواند... مساجد را در موقع لزوم تعطیل کند و مسجدی را که ضرر باشد در صورتیکه رفع بدون تخریب نشود، خراب کند، حکومت میتواند قرارداد های فرعی را که خود یا مردم بسته است، در موقعی که آن قرارداد مخالف صالح کشور و اسلام شود یکجانبه لغو کند و میتواند امری چه عبادی و یا غیر عبادی باشد که جریان آن مخالف صالح اسلام است از آن - مادامیکه چنین است - جلوگیری کند ...". طرح این مسایل از طرف خمینی؛ برای اولین بار، خود افشاگر چهره کریه و ضد بشری رژیم است. این مسئله از یکسو، نشان میدهد که خمینی در صورت بخطر افتادن پایه های حکومتش - حتی به "معتقدات مذهبی" خود نیز پای بند نخواهد بود و مراکز مذهبی را که تاکنون از آنها جهت تحمیق مردم و دستر ش پایگاه قدرت گیری خود استفاده کرده بود، براحتی نابود خواهد ساخت. از سوی دیگر خمینی صراحتاً بدولت خود میگوید که میتواند تمامی قراردادهایی را که تاکنون به آن تحت فشارهای مختلف تن داده است، در صورت احصا خسار از آنها، براحتی بظور "یکجانبه لغو کند". رژیم خمینی بقیه در صفحه ۱۱

انقلاب بهمین و...

وابسته گردید - یوزروا - ملاکان بهمراه فتودالها دوباره جان گرفته و یوزروازی یوزوکراتیک نو پای فاسد به تاخت و تاز پرداخته است .

انقلابی که توسط شرکت وسیع طبقات و اقتدار پایینی و محروم جامعه بوقوع پیوسته بود ، استبداد قرون وسطا یی خینیسی را جایگزین استبداد سلطنتی شاه ، که توسط طبقات و اقتدار بالایی و کاملا مرفه حمایت می شد ، کرد . این انقلاب موفق شد چارچوب سیستم سرمایه داری را شکسته و نظامی دموکراتیک ایجاد کند .

خواستهای دموکراتیک مردم برآورده نشده است . برآوردن این خواستها وظیفه انقلاب آینده است . انقلاب بهمین بیوضوح نشان داد مادامی که رهبری انقلاب در دست نمایندگان اقتدار و طبقات زحمتکش جامعه نباشد ، به سرانجام نخواهد رسید .

زیر نویسها :

- ۱- ن ۲۰ کدی: ریشه های انقلاب، ص ۱۷۲، چاپ نیوهون - لندن ۱۹۸۱
- ۲- اوپلانک: ایران در بخران، ص ۱۷۴، چاپ پین ۱۹۸۰

تواهی خمینی و...

اکنون به مرحله ای از بن بست خود رسیده است که جهت حفظ پایه های لرزانتر، توسل به هر وسیله ای، حتی بیقیمت نابودی بنیانهای ایدئولوژیک خود را نیز مجاز میدانند .

مناسبت روز...

بیسیج قریب به دوست هزار سرباز و پاسدار و بسیجی و با ایجاد پایگاههای نظامی متعدد در هر روستای کرد نشین ، بصورت شبکه ای از پایگاههای خود در آورده است ، بهتر درک میشود و مقاومت پیشمرگه ها بعدی حماسی می یابند .

این مقاومت و پایداری پیشمرگه ها ، جز از طریق اتکا به توده های کرد و پیوند تنگاتنگ با آنها و ایمان محکم به هدفی که خلق کرد .

ما غنیم قوی...

مختومقلی تیهیای خود را طوری انتخاب نموده است که هر چه بیشتر برای مردم قابل لمس تر و روشنتر باشد - مثلا تیهیا و تشبیهات مختومقلی را در اشعار زیر از نظر بگذرانیم - ضمن این اشعار توصیه و رهنمود به جوانان ، پیرامون تدابیر و شیوه هایی است که باید در میدانهای نبرد اتخاذ نمایند - آنان همواره در نبرد با خانها و امیران بخارا و خیوه و فتودالهای ایران بوده اند :

گینگ یرده قارقادی بولسون وهیم لی ،
یرینده هناری ، ایشی گرکدیر ،
فاپلانگ کیمین آرلاپ گیرسه میدانا ،
تیلکی کیمین بازی برسه هر یانا ،
قورت دک گیرپ قویون کیمین داغیلدان ،
آت سالاندا دونگوز کیمین دوپولپ ،
آیی کیمین آصیلیشی گرکدیر .

و یا

مورتونی تاو لاپ تارتار ،
هایبایاتی پلنگدن آرتار ،
گوک دک گورلاپ داماق بیرتار ،
حاضریر یولسا آشر اوستونه .

بدینگونه وی افکار خود را بخاطر هر چه قابل فهم تر شدن برای جوانان ترکمن که روزگار خود را اغلب از طریق دامداری و روستا نشینی می گذرانند ، بکمک حیواناتی چون " روباه ، گرگ ، کلاغ ، خوک و خرس " و مانند اینها ، یعنی چیزهایی که دامداران و روستا -

طرف پیشمرگه های خلق کرد ، با توجه به اقدامات فزاینده نظامی رژیم ، که کردستان را با قریباً جهت تحقق آن می رزمد و انعطاف در مبارزه و تغییر تاکتیکهای ماهرانه در هر مرحله از جنبش خلق کرد - ممکن نبوده و نخواهد بود - کانون فرهنگی - سیاسی خلق ترکمن ایران ، فرا رسیدن این روز تاریخی را برای خلق کرد و به حزب دمکرات کردستان ایران و به پیشمرگه های قهرمان آن تیریک می گوید و برای آنان پیروزی در رزم و بهروزی در زندگیشان را آرزو می کند .

نیان در زندگی روزمره خود با آنان برخورد دارند و درباره آنها صحبت می کنند ، بیان می دارد . بهمین جهت نیز سخنان مختومقلی برای مردم ترکمن بسیار مؤثر و نافذ بوده و از طرف آنان بخوبی پذیرفته شده است .

در مورد " فرم " اشعار مختومقلی باید گفت که هر چندی ، در بعضی از آثار خود از " میزان عروضی " اعراب استفاده نموده است ، اما اکثراً میزان (وزن) " سیلاب شماری " را که در ادبیات کلاسیک ترکمنی معمول بوده بکار برده است .

مختومقلی نه تنها در زمان خود ، بلکه در خلالت اکثر شعرائی که بعدها در عالم ادبیات پا بعرصه وجود گذاشتند ، نیز تأثیر بزرگی گذاشته است . شعرا به هنگام ارزیابی بهترین اشعار خود ، چنین می گفتند : " فکسر میکم این شعر من بیای اشعار استاد مختومقلی رسیده باشد " - بنابه روایتی که در بین مردم است ، روزی عده ای از شعرا در جایی دور هم جمع می شوند . وقتی یکی از شعرا سؤال می کند که " درباره چه چیزی باید بنویسم ؟ " کینه (۱) چنین پاسخ می دهد : " مگر مختومقلی برای ما چیزی جهت نوشتن گذاشته است ! ؟ او مزعه سخن را درو کرده و رفته است . ما چاره ای جز خوشه جینی آن نداریم " - این یکی از فاشهای تاریخی است که گواه عظمت و نفوذ مختومقلی در تاریخ رخد ادبیات ترکمن و میزان اعتبار و حیثیت وی در میان شعرا می باشد .

۱- یکی از شعرائی بزرگ خلق ترکمن :

اخبار...

مبارزه با " گرانفروشی "

در مبارزه ای که رژیم با کسبه " جز " تحت عنوان مبارزه با گرانفروشی بر اه انداخته ، تاکنون ۶۹ نفر از کاسبان جز گنبد کاووس در مجموع به پرداخت ۳ میلیون ریال جریمه نقدی محکوم شدند .

جالب توجه است که از مجموع این مبلغ ، دو میلیون ریال آنرا سپور فروشها و یک میلیون باقیمانده را نیز نانوایی ها بعنوان جریمه پرداخته اند !

حق تعیین سرنوشت بدست خویشی حق همه ملل است

رویدادهای جهان

فلسطین

قریب به دو ماه است که قیام تودهای خلق فلسطین، که در نوع خود در ۲۰ ساله اخیر بعد از جنگ ۶ روزه اعراب و اسرائیل بیسابقه است، سراسر مناطق اشغالی را فراگرفته است. این قیام با اعتصاب قریب به ۸۰۰ هزار نفر در مناطق اشغالی، در جواب به فراخوان سازمان آزادیبخش فلسطین در ۲۲ دسامبر، که بیسابقه ترین اقدام متشکل توده ای در چند دهه اخیر در مناطق اشغالی بود، ابعاد تازه ای یافته است.

بموازات گسترش و تعمیق مبارزات خلق فلسطین، اقدامات سرکوبگرانه ارتش و سازمان امنیت اسرائیل نیز ابدای جنایتکارانه به خود گرفته است. این جنایات اسرائیل نه تنها با اعتراض عمومی جهانیان مواجه شده، بلکه باعث شده حتی رژیمهایی که مبارزات فلسطینیها را تاکنون تحت عنوان "اقدامات تروریستی" تخطئه میکردند، نیز مجبور به اعتراض به رژیم اسرائیل شده اند.

تحت تأثیر مبارزات فلسطینیها در مناطق اشغالی، در مناطقی از لبنان نیز که تحت اشغال ارتش اسرائیل میباشد، مبارزات فلسطینیها اوج گرفته است. اسرائیل اقدامات جنایتکارانه خود را به این مناطق نیز بسط داده است. در آخرین حمله هواپیماهای جنگی اسرائیل به مناطق تحت نفوذ فلسطینیها و در روزهای لبنان، حداقل ۳۲ نفر کشته و ۱۱ نفر زخمی شده اند.

شورای امنیت سازمان ملل متحد برای اولین بار در پنجم ژانویه، اقدامات جنایتکارانه اسرائیل در مناطق اشغالی را با اکثریت آرای کشورهای عضو خود، محکوم کرده و خواهان فراخوان کنفرانس وسیع، جهت حل مسئله فلسطین شده است. در قطعنامه شورای امنیت، اسرائیل متهم به نقض حقوق بشر و نقض صیوبات کنفرانس ژنو در سال ۱۹۴۹ شده و خواستار قطع اخراج فلسطینیها از مناطق اشغالی شده است. آمریکا برای اولین بار

"سازمان اسلامی جهاد علیه قاتلها"

در دریافتی مسلحانه ای که اخیراً در روستای "کاتانکوتی" بین چریکهای تاملیل و اعضای گروه مذهبی "سازمان اسلامی جهاد" که از طرف دولت سیریلانکا و ارتش هندوستان حمایت میشوند رخ داد، حداقل ۲۵ نفر از ضریقین کشته شدند. بنابه اظهارات سخنگوی رژیم سیریلانکا، ارتش هندوستان که در قسمت شرقی منطقه تاملیلها مستقر شده است، در نظر دارد با همکاری گروههای اسلامی در آیین منطقه، مبارزه علیه تاملیلها را شدت دهد. نیروهای نظامی سیریلانکا و هندوستان که اخیراً با وجود مستقر کردن نیروهای جدید - تری در قسمت شرقی منطقه تاملیلها و با حملات مکرر و سنگین علیه چریکهای تاملیل موفق به سرکوبی آنها نشده اند، در نظر دارند با دادن زدن به اختلافات مذهبی با کنگ "سازمان اسلامی جهاد" و به بهانه "ممانعت از درگیری های مذهبی، حمله وسیعی را آغاز نمایند.

مسئله ملی در صفحه ۶، کلمه "هر بجای کلمه" تمامی نوشته شده است که صحیح آن "در ترکیب تمامی جمهوریهای متحده" میباشد. در شماره ۴ ارگان، در مقاله "مکانیزه شدن کشاورزی، آمار مربوط به تراکتور اشتباهها ۱۶۷۳ دستگاه" جمع بندی شده است که صحیح آن "۱۷۳ دستگاه" میباشد.

در شماره ۴ ارگان، در مقاله "در گرامیداشت جنبش ۲۱ آذر خلق آذربایجان" تاریخ وحدت فرقه دمکرات با حزب توده، اشتباهها "۱۳۳۷" نوشته شده که صحیح آن "۱۳۳۹" میباشد.

آدرس در خارج از کشور

PLK

№. 117009 C

5000 KÖLN 1

WEST GERMANY

مجبور به دادن رأی مثبت به قطعنامه شورای امنیت سازمان ملل علیه اسرائیل شده است. شامیر، نخست وزیر اسرائیل، ضمن رد قطعنامه شورای امنیت اعلام کرد که: "بهبودچه در مقابل فلسطینیها نرمش نشان نخواهند داد، تا چه برسد به تخلیه مناطق اشغالی!"

تحریم انتخابات

انتخابات ریاست جمهوری در هائیتی که قرار بود بعد از ۳۰ سال دیکتاتوری لجام گسیخته در این کشور، در ۱۷ ژانویه برگزار گردد، از طرف ۴ تن از کاندیداهای اپوزیسیون تحریم گردید.

کاندیداهای اپوزیسیون در یک صاحبه تلویزیونی اعلام کردند، تا وقتی عوامل ناسلامیهای اخیر که مستقیماً از طرف نظامیان حمایت میشوند و با انجام ترور و کشتار دهها نفر، مقرر اصلی عقب افتادن انتخابات در یک ماه و نیم پیش میباشد، دستگیر و محاکمه نشوند و امنیت انتخابات تأمین نگردد حاضر به شرکت در انتخابات ۱۷ ژانویه، در زیر سرنیزه های نظامیان و گروههای ترور رژیم نیستند.

لازم به یادآوری است که این انتخابات در سی ام نوامبر گذشته میباشد انجام میگرفت، که بدلیل ناآرامیها، شروع موج ترور، حملات باندهای مسلح به محل انتخابات، آتش زدن چادرهای تبلیغاتی انتخابات و تهدید های مکرر کاندیداهای اپوزیسیون از طرف باندهای ترور، برگزار نگردید و کمیسیون انتخابات با لغو انتخابات، انجام آنرا به ۱۷ ژانویه موکول کرده بود.

تصحیح و بوزش

در شماره های ۳ و ۴ ارگان، اشتباهاتی رخ داده که با بوزش از خوانندگان گرامی، بدینوسیله تصحیح میگردد:

در شماره ۳ ارگان، در مقاله "اکبر و

پایدار باد خاطرۀ شهدای جاوید خلق ترکمن!